

پرچم ما زمینی

بسیاری از مشهدهای ما، حالا قصه پرچم ما است

حمیده صفائی ساعت ۶ صبح، تعطیل اند و مردم مشغول تردد جوانی در تقاطع ایستاده و پرچم است. باد آرامی می وزد و پرچم را تکان می زند. بعضی از پشت شیشه ساعت ۶:۱۵ خود رویی کنار چهار

می دهد و می رود. این نخستین بار از اینجا است اما برای مغازه داران چه تصویری که ۸۵ روز است ما برای این پرچم از این جوان که بیست روز به او به این فکر کردند که آن هانه در خط مقدم باشد بگیرند. اما فکر کردند که دهند: کاری که مردم هم ساده، پرچمی شد که ماند و هزاران نفر پای آن قصه این پرچم حالا دیگر قصه مردمی است که این روزها را با ایستادن

فقط با پایان جنگ، پرچم زمین می آید



مسعود نبی دوست، یکی دیگر از خادمان پرچم، می گوید: جرقه این حرکت از یک سؤال ساده شروع شد: مردم عادی در روزهای جنگ چه نقشی می توانند داشته باشند؟ او ادامه می دهد: در جنگ های امروز آدم های معمولی حضور مستقیم ندارند. مدام فکری کردیم ما چه کاری می توانیم انجام بدهیم. از روز دهم جنگ این فکر جدی شد که باید کاری کنیم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که پرچم ایران را در چهارراه احمدآباد بالانگه داریم. حرکتی نمادین که هرکس بتواند در آن شریک شود: ششم عید، پرچم در چهارراه احمدآباد بالا رفت.



به گفته آقامسعود، روزهای اول، اجرای طرح بسیار سخت بود؛ گاهی داخل ماشین می خوابیدیم و دوباره می آمدیم پای پرچم. تا اینکه چند روز بعد، گزارشی از این حرکت در برنامه زمانه شبکه ۲ پخش شد. بعد از این برنامه، تلفن ها شروع شد. تماس ها آن قدر زیاد شد که پاسخ دادن به همه آن ها ممکن نبود. حتی یک نفر تماس گرفته و گفته بود می خواهد مرخصی زندانش را با روز پرچم داری هماهنگ کند.

در نهایت برای نظم دادن به این درخواست های یکی از دوستانشان ربای ثابت نام در پیام رسان طراحی کرد و ثبت نام ها از آنجه تیمشان تصور می کرد، بیشتر شد. حالا آن هادر هر شبانه روز هشت خادم پرچم و ۳۶ پرچم دار دارند.

نبی دوست می گوید: تاروی که سربازی پشت لانچر ها باشد، ما هم پرچم را نگه می داریم. ما خبر پایان جنگ را از رهبر می بگیریم. هر زمان پایان جنگ مشخص شد، به همراه همه پرچم داران جمع می شویم و این پرچم را در حرم بر زمین می گذاریم. در واقع پرچم به صورت امانی در حرم می ماند تا اگر دوباره اتفاقی افتاد، آن را به میدان بیاوریم. او تعریف می کند: در این ۸۵ روز، اتفاق های زیادی کنار این پرچم افتاده است. راننده ها گل می خردند و می گویند برید بد هید به پرچم دار. در این مدت بیش از دو بیست شاخه گل به پرچم دار ها هدیه داده شده است. حتی زنی که یک ماه تا تولد فرزندش مانده بود، برای ایستادن پای پرچم ثبت نام کرد؛ یک ساعت به اینجا آمد و حالا فرزندش به دنیا آمده است.

از همان ابتدا قرار گذاشته بودند این پرچم حتی برای یک لحظه هم روی زمین قرار نگیرد. اما پرچمی که شبانه روز در خیابان است و زیر باران و گرد و خاک و باد قرار دارد، کثیف یا پاره می شود.

برای همین دوباری که آن را داشتند، یک خودرو کنار پرچم آوردند و روی خودرو ایستادند و همان بالا پرچم را داشتند. یک بار هم وقتی قسمتی از آن پاره شد، همان بالا دوخته شد.



رهگذری پرسید: برای نگه داشتن پرچم چقدر می گیرید خانواده بختیاری پاسخ دادند: وطن فروشی نیست

معادله ای که از روز پنجم عوض شد



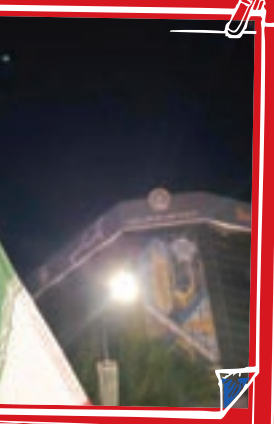
سجاد دادخواه از نخستین کسانی است که پای این ایده ایستاد. او که هنوز ساعت های اولین روز رادقیق به یاد دارد، می گوید: درباره این موضوع بارها صحبت کردیم. بالاخره روز ششم فروردین ساعت ۱۰:۲۰ ظهر دوباره جلسه گذاشتیم. بعد از چند ساعت صحبت، تصمیم گرفتیم همان روز کار را شروع کنیم. پرچم را خریدیم، دو ختیم و ساعت ۸ شب به نیت امام هشتم برپا کردیم.

او ادامه می دهد: ابتدای ماجرا چهار پنج نفر بودیم که در نهایت با دوستانمان ۲۴ نفری می شدیم. قرار بود هر کدام یک ساعت پرچم را نگه داریم و بعد نفر بعدی جایگزین ما را بگیرد. دوشب اول سخت گذشت. خستگی و کمبود نیرو باعث شده بود پشت سر هم پرچم را بگیریم؛ همان جا استراحت می کردیم. برای همه عجیب بود این پرچم ۶ صبح، یک بعد از ظهر یا ۳ نصفه شب اینجا چکامی کند. رهگذران می پرسیدند چرا در اینجا ایستاده اید و وقتی توضیح می دادیم که قرار است پرچم ایران بیست و چهار ساعت بالا بماند، بعضی ها همان جا شماره می دادند تا برای ایستادن ثبت نام کنند.

به گفته دادخواه، از روز پنجم، معادله تغییر کرد. کم کم تعداد داوطلب ها زیاد شد. آقا سجاد تعریف می کند: تعداد درخواست کنندگان آن قدر زیاد شد که بچه های تیم، یک ربات در نرم افزار، بله، ایجاد کردند تا مردم راحت ثبت نام کنند. طبق آمار می گویند تاکنون ۳ هزار و اندی نوبت پرچم داری داده ایم که برخی از این افراد چندین بار آمده اند، اما ۲ هزار و ۳۴۰ نفر فقط یک بار پای پرچم ایستاده اند. همچنین تا ۲ تیرماه، ۱۲۰۰ نفر هنوز در نوبت پرچم داری هستند که هشتصد نفرشان بار اولشان است. دادخواه اوایل، ۸۵ بار افتخار پرچم داری داشته است، اما از زمان شکل گیری ربات و ثبت نام های پیاپی مردم، پرچم به صورت گذرا به دستش رسیده و دیگر نوبت پرچم داری را به او نمی دهند.

این خادم پرچم از همدلی مردم با پرچم داران تعریف می کند: خانمی با سه دخترش چهار ساعت نوبت گرفته بود. در تمام چهار ساعت باران شدید می بارید. مردم وقتی این شرایط را دیدند، برای شتر آوردند و روی کالسکه دخترش پلاستیک کشیدند تا خیس نشوند.

به گفته آقا سجاد آن ها برنامه را چیده بودند. حتی به این فکر کرده بودند ممکن است این جنگ مثل دفاع مقدس، هشت سال طول بکشد. این موضوع برای آن ها قصه دو دو تا چهار تا نبود، بلکه بر اساس توکل به خدا و عشق به وطن برنامه ریزی شده بود.



پرچم برافراشته ایران، بی آنکه لحظه ای از آن



همزمان با ثبت هزارمین ساعت پرچم برافراشته، هزار شاخه گل آماده و به رهگذران اهدا شد



هر روز صبح حسین ترکان زاده به وقت ۶:۱۵ شکلات به خادمان پرچم اهدا میکند